



Imam Sadiq Research Institute
for Islamic Sciences

Research Institute for Islamic
Theology and Knowledge

P. ISSN: 3795-2538 & E. ISSN: 2783-1299

Website: <https://rahnama.isri.ac.ir>

Volume: 2; Number: 4



Comparing the methods of Ayatollah Seyyed Mohammad Saeed Hakim and Allama Jafar Morteza in examining the Prophet's biography

Hamed Jokar*

Doi: <https://doi.org/10.22034/gr.2026.560794.1129>

Receipt: 2025/11/19 - Accepted: 2025/12/13

(7-35)

Abstract

A documentary and content analysis of the narrations concerning the Prophet's biography is one of the most important topics in Islamic studies. Most of the works written by early scholars in this field are either based on mere reporting, like Ibn Hisham's **Al-Sīrah**, or employ a combinatory method (transmitting and compiling narrations), like Ya'qubi's **Tārīkh**. In the contemporary period, the analytical method in historical reports has become one of the most important approaches in the study of the Prophet's biography. Among the notable works compiled by Shiite scholars in this regard are **Al-Ṣaḥīḥ min Sīrat al-Nabī al-A'zam (PBUH)** by Sayyid Ja'far Murtadā al-'Āmilī and the book **Khātam al-Nabiyyīn (PBUH)** by the late Sayyid Muḥammad Sa'īd al-Ḥakīm. Both works are dedicated to the analytical study of the Prophet's biography, and although one is detailed and the other concise, each author has endeavored, through a unique method and remarkable precision, to analyze the concepts of the Prophet's biography.

This article attempts to use a descriptive-analytical method to compare the scholarly approaches of these two figures in processing and examining the Prophet's biography. The late 'Āmilī, while explaining the prophetic character and examining the phenomenon of the prohibition of ḥadīth and its role in distorting historical truths and the spread of fabricated narrations, discusses the role of storytellers in this regard. After describing the chaotic principles and criteria in compiling the biography, he presents, from his own perspective, principles, regulations, and criteria for conducting sound scholarly research. Instead, by drawing on various historical and ḥadīth sources and paying attention to social and political issues, he sought to provide a contemporary reading of the concepts of the Prophet's biography. By returning to authentic sources and adopting correct methods of understanding and interpreting these sources, and by utilizing the luminous biography of the Prophet (PBUH), they can overcome their contemporary challenges.

Keywords: Sīrah, Jafar Murtaza Ameli, Muhammad Saeed Hakim, Al-Ṣaḥīḥ min Sīrat al-Nabī al-A'zam (PBUH), Khātam al-Nabiyyīn (PBUH)

* Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Thought, Imam Khomeini International University, Qazvin, IRAN, Jokar@isr.ikiu.ac.ir.



پژوهشگاه علوم اسلام صادق

پژوهشکده الهیات و معارف اسلامی

P. ISSN: 3795-2538 & E. ISSN: 2783-1299

نشانی پانگه نشریه: http://rahnama.isr.ac.ir

سال دوم، شماره چهارم

مقایسه روش آیت الله سید محمد سعید حکیم و علامه سید جعفر مرتضی در بررسی سیره نبوی

حامد جوکار *

Doi: 10.22034/gr.2026.560794.1129

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۲۲

نوع مقاله: علمی پژوهشی

(۷-۳۵)

چکیده

بررسی سندی و محتوایی روایات سیره پیامبر ﷺ از مهم ترین موضوعات مطالعات اسلامی است. عمده آثاری که از سوی قدامت در این خصوص نگارش یافته یا مانند سیره ابن هشام مبتنی بر گزارش محض است، یا مانند تاریخ یعقوبی به روش ترکیبی. در دوره معاصر روش تحلیلی در گزارش های تاریخی یکی از مهم ترین روش ها در مطالعات سیره است. از جمله آثار چشمگیری که از سوی دانشمندان شیعی در این خصوص تدوین شده کتاب الصحیح من سیره النبی الأعظم ﷺ تألیف سید جعفر مرتضی عاملی و دیگری کتاب خاتم النبیین ﷺ اثر سید محمد سعید حکیم است. در این مقاله کوشیده ایم با روش توصیفی-تحلیلی به مقایسه روش علمی این دو شخصیت در پردازش و بررسی سیره نبوی بپردازیم. عاملی ضمن تبیین سیمای نبوی و بررسی پدیده منع حدیث و نقش آن در تحریف حقایق تاریخی و رواج احادیث جعلی، از نقش قصه پردازان در این باره سخن می گوید و پس از تشریح اصول و معیارهای آشفته در تدوین سیره، اصول، ضوابط و معیارهایی برای انجام پژوهش علمی صحیح از دیدگاه خود ارائه می دهد. حکیم نیز بر اساس روش های مرسوم در سیره نگاری عمل نکرده، بلکه با بهره گیری از منابع گوناگون تاریخی و حدیثی و توجه به مسائل اجتماعی و سیاسی کوشیده خوانشی روزآمد از مفاهیم سیره نبوی ارائه کند. به علاوه، در این اثر علمی ایشان کوشیده ضمن زدودن برخی شبهات حول شخصیت پیامبر ﷺ، راهکارهایی برای جوامع اسلامی ارائه کند تا ضمن بازگشت به منابع اصیل و روش درست فهم و برداشت از منابع، با بهره گیری از سیره نورانی پیامبر ﷺ بر مشکلات معاصر خویش غلبه نمایند.

کلیدواژگان: سیره نبوی، جعفر مرتضی عاملی، محمد سعید حکیم، الصحیح من سیره النبی الأعظم، خاتم النبیین.

* استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه بین المللی امام خمینی، قزوین، ایران.
Jokar@isr.ikiu.ac.ir



مقدمه

آشنایی با سیره و روش زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در عرصه فردی و اجتماعی اهمیت بسیار دارد؛ زیرا آن حضرت خاتم پیامبران و آخرین سفیر الهی برای هدایت و راهنمایی مردم است؛ از این رو، آنچه از نیکی‌ها و فضایل در دیگر پیامبران باشد، در وجود مقدس آن حضرت جمع شده و به کمال رسیده است. افزون‌براین، چنان‌که استاد مطهری می‌گوید، تاریخ توانسته رویدادهای زندگی ایشان را بیش از پیامبران دیگر ثبت کند، به گونه‌ای که از لحظه تولد تا هنگام رحلت آن حضرت، به دست تاریخ‌نگاران و سیره‌نویسان نوشته شده است و از این جهت زندگی آن حضرت می‌تواند منبع مناسبی برای پیروی از سیره آن بزرگوار باشد (مطهری، ۱۴۰۲: ۳۸).

سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در مراحل نخستین تدوین بخشی از حدیث نبوی بود که محدثان آن را در ابوابی مستقل جمع‌آوری و مرتب کردند. در نخستین کتاب‌های حدیثی که با هدف گردآوری احادیث نبوی با موضوعات گوناگون تدوین شده‌اند، بخش‌هایی به سیره یا مغازی پیامبر صلی الله علیه و آله اختصاص یافته است.

علاوه بر محدثان، برخی مورخان نیز به تألیف سیره نبوی پرداخته و کوشیده‌اند نقل‌های مرتبط با سیره را گرد هم آورند. اواخر قرن اول و دوم هجری بسیاری از این مورخان در شهرهای گوناگون اسلامی به تدوین سیره مشغول بودند. از جمله مورخان سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه می‌توان اَبان بن عثمان (۱۰۵ق)، عروة بن زبیر (۹۲ق)، شرحبیل بن سعد (۱۲۳ق)، عبدالله بن حزم (۱۳۵ق)، عاصم بن قتاده (۱۲۰ق)، موسی بن عقبه (۱۴۱ق)، محمد بن اسحاق (۱۵۲ق) و واقدی (۲۰۷ق) را نام برد. همچنین، ابن شهاب زهری (۱۲۴ق) در مکه، زیاد البکائی (۱۸۳ق) در کوفه و وهب بن منبه (۱۱۰ق) در یمن، به تألیف سیره پیامبر صلی الله علیه و آله اشتغال داشتند.

به‌هرحال، نگارش و پژوهش در زمینه سیره پیامبر صلی الله علیه و آله، که از اواخر قرن نخست هجری رواج یافت، تا امروز ادامه یافته و رویکردها و روش‌های گوناگونی در این زمینه پدید آمده که متناسب با اهداف، نگاه‌ها، گرایش‌ها و رویکردهای پژوهشگران و نویسندگان مختلف، دارای تنوع بسیار است. عمده‌ترین روش‌های سیره‌نگاری را می‌توان به‌اختصار در این موارد بیان کرد: یک.

روش گردآوران ابتدایی سیره که باتوجه به اوضاع ویژه آن دوران، و به خصوص منع تدوین حدیث برای حدود یک قرن، بیشتر به بیان فضائل پیامبر ﷺ توجه داشتند؛ دو روش محدثان که در تدوین سیره نبوی به اصول و مبانی حدیث نگاری پایبند بودند و توجه ویژه‌ای به بحث اسناد و سلسلهٔ روایت داشتند (ضیاء العمری، ۱۴۱۵: ۱۱) و در قالب‌های گوناگون، اعم از تألیفات مستقل یا اختصاص یک فصل مجزا در کتاب‌های حدیثی و با رعایت اصول دانش حدیث و رجال به تألیف سیره پرداختند (السلمی، ۲۰۰۹: ۳۰۹)؛ به‌علاوه، تاریخ‌نگاران نیز به موضوع سیره توجه نشان داده‌اند. آن‌ها در نقل مطالب به راویان گوناگون اعتماد نموده‌اند و به‌همین دلیل، نقلیات موجود در آثار آن‌ها آمیخته‌ای از غث و ثمین است. درحقیقت، باید گفت آن‌ها با تلاش خویش مادهٔ اولیهٔ پژوهش در سیرهٔ نبوی را برای نسل‌های بعدی فراهم آورده‌اند (ضیاء العمری، ۱۴۱۵: ۴۰). ازجمله آثار مهم این گروه می‌توان به کتاب الأخبار الطوال (الدینوری، ۱۳۷۳)، تاریخ خلیفه (ابن خیاط، ۱۴۱۴) و کتاب تاریخ الامم والملوک (الطبری، ۱۹۶۷) اشاره کرد. گروهی از نویسندگان نیز با تلفیق روش محدثان و تاریخ‌نگاران به پژوهش و تألیف در سیرهٔ نبوی پرداخته و کوشیده‌اند ضمن پایبندی به نگاه تاریخ‌نگاران و گردآوری همهٔ جزئیات و نقل‌ها، به اعتبار نقل‌ها و ترتیب آن‌ها برحسب میزان اعتبار نیز توجه کنند. از مهم‌ترین افراد این گروه می‌توان محمدبن عمر واقدی را نام برد. او در کتاب المغازی از تمام منابع شفاهی و مکتوب، اطلاعات نسب شناسان و بازدید از مناطق جنگی این نبردها استفاده کرده است (جعفریان، ۱۳۹۳: ۸۷).

برخی نویسندگان نیز با انتخاب یکی از موضوعات مرتبط با سیرهٔ نبوی - مثل معجزات رسول خدا ﷺ، شمائل‌النبی، یا غزوات - مطالب خویش را حول آن موضوع تدوین کرده‌اند؛ ازجمله اعلام النبوه ابوحاتم رازی (رازی، ۲۰۱۵: ۲۹۲) دلائل النبوه، أبو نعیم اصفهانی (الاصفهانی، ۱۴۱۲) و دلائل النبوه، از ابوبکر احمدبن حسین بیهقی که در مقدمهٔ خود بحثی ارزنده دربارهٔ ارزشیابی و شناخت احادیث و خبر واحد و تسامح در ادلهٔ سنن آورده است (بیهقی، ۱۳۶۱). خاورشناسان نیز ازجمله کسانی هستند که به سیرهٔ نبوی توجه کرده‌اند. از مشهورترین خاورشناسانی که در این زمینه تألیفاتی دارند می‌توان از گلدزیهر، مونتهگومری وات، گوستاو لوبون، استنلی پل و هنری لامنس نام برد. پرداختن به جزئیات روش

خاورشناسان و چگونگی رویکردها و اهداف آنان از پرداختن به سیره نبوی موضوعی است که در حوصله این مقاله نمی‌گنجد؛ اما درباره روش آن‌ها باید تأکید کرد که توانسته‌اند با انتقادات فراوان، اهمیت قرآن و سنت پیامبر ﷺ را فروکاسته و به ترک و جایگزینی آن دعوت کنند. از جمله ویژگی‌های بارز روش این گروه بیان مسائل مخالف با باورهای رایج اسلامی و معرفی اسلام به مثابه شاخه‌ای از تمدن‌های دیگر و عدم باور به استقلال آن است. از همین رهگذر، آن‌ها سیره نبوی را نیز برگرفته از مسائل تاریخی صرف و ناظر به اوضاع اجتماعی و فرهنگی عرب تفسیر می‌کنند (بن‌عبود، ۱۹۸۵: ۳۵۳). خاورشناسان معمولاً از شخصیت پیامبر ﷺ تقدس‌زدایی می‌کنند که این امر گاهی سبب می‌شود نسبت‌هایی به ایشان بدهند یا سیره ایشان را به گونه‌ای تفسیر کنند که مخالف قرآن بوده و برای هیچ مسلمانی پذیرفتنی نیست، از جمله اشپرنگر در کتابش حیات محمد و تعالیمه. آثار خاورشناسان به دلایل پیش‌گفته و به خصوص به دلیل آشنایی اندک و ناکافی اغلب آن‌ها با زبان عربی و پیچیدگی‌های آن، خالی از اشکال و خطاهای علمی و زبانی نیست و به همین دلیل، نمی‌توان نتایج پژوهش‌های آنان را بدون بررسی و تعمیق پذیرفت (الصابری، ۲۰۲۰: ۱۴).

پیشینه پژوهش

ضمن تأکید بر اینکه تاکنون هیچ اثری به مقایسه علمی روش این دو نویسنده اختصاص نیافته است، می‌توان به آثاری اشاره کرد که درخصوص روش سیدجعفر مرتضی‌عاملی نگاشته شده‌اند؛ از جمله کتاب «رویکرد الصحیح به سیره رسول خدا ﷺ» که از سوی جمعی از مؤلفان و زیر نظر رسول جعفریان نگارش شده و شامل مجموعه مقالاتی درباره الصحیح است؛ همچنین، مقاله «الصحیح من سیره النبی الأعظم ﷺ: رهیافتی نو به سیره نگاری» که به قلم محمد سپهری در مجله تاریخ و تمدن اسلامی نگاشته شده است؛ همچنین، مقاله‌ای با عنوان «معیارسنجی باورهای کلامی در ارزیابی روایات تاریخی در الصحیح من سیره النبی الأعظم ﷺ» اثر حمید جلیلیان و سیدمحمدعلی ایازی و نیز مقاله «روش شناسی سیدجعفر مرتضی‌عاملی در ارزیابی احتمالات تاریخی در: الصحیح من سیره النبی الأعظم» نوشته حمید جلیلیان و سیفعلی زاهدی‌فر. تأکید می‌شود که تاکنون مقاله یا کتابی

به بررسی روش سیره پژوهی مرحوم حکیم نپرداخته است؛ به این جهت، موضوع این مقاله نو و متفاوت از آثار پیشین است.

۱. معرفی دو کتاب

در دوران معاصر دانشمندان و عالمان بسیاری به بررسی سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله پرداخته و از دل آن مفاهیم بلند و عمیقی را برای بهره مندی مسلمانان از حیث فردی و اجتماعی استخراج کرده اند. از جمله این آثار در دوران معاصر می توان به کتاب الصحیح من سیره النبی الأعظم صلی الله علیه و آله تألیف علامه سید جعفر مرتضی عاملی و نیز کتاب خاتم النبیین صلی الله علیه و آله اثر مرجع عالیقدر مرحوم سید محمد سعید حکیم اشاره کرد. در این پژوهش ضمن معرفی اجمالی این دو اثر گرانسنگ، روش این دو نویسنده با یکدیگر مقایسه شده است.

۱-۱. معرفی اجمالی «الصحیح من سیره النبی الأعظم صلی الله علیه و آله»

کتاب «الصحیح من سیره النبی الأعظم صلی الله علیه و آله» اثر عالم و مورخ برجسته شیعه، علامه سید جعفر مرتضی عاملی، از جامع ترین و مهم ترین آثار تحلیلی-انتقادی در حوزه سیره نبوی در دوران معاصر به شمار می رود. این مجموعه عظیم - که به زبان عربی تدوین شده - رویکردی نوین در مواجهه با روایات تاریخی ارائه می دهد و کوشیده است با روشی علمی و مبتنی بر معیارهای دقیق، روایات صحیح سیره را از گزارش های ضعیف و جعلی جدا سازد (مرتضی، ۲۰۰۴: مقدمه).

۱-۱-۱. اهداف و انگیزه های تألیف

علامه مرتضی عاملی انگیزه اصلی خود از تألیف این اثر را ارائه تصویری مستند و اعتمادپذیر از زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله می داند. از نگاه وی، منابع سنتی سیره، به ویژه تحت تأثیر پدیده هایی مانند «منع تدوین حدیث» و «فعالیت قصه پردازان»، با حجم زیادی از احادیث جعلی، اسرائیلیات و گزارش های جانبدارانه آمیخته شده اند (مرتضی، ۲۰۰۴، ج ۱: ۵۰-۶۰). او بر این باور است که این آمیختگی، امکان الگوگیری از سیره نبوی را، که قرآن کریم بر آن تأکید دارد، با مشکل مواجه ساخته است (همان)؛ بنابراین، هدف او زدودن این پیرایه ها و ارائه سیره صحیح است.

این کتاب یک دائرةالمعارف علمی کامل در سیره نبوی است که با روشی تحلیلی-انتقادی و مبتنی بر اصول علمی رایج در حوزه حدیث و تاریخ تدوین شده است. نویسنده در این اثر، روایات سیره را با معیارهای دقیق بررسی کرده و اخبار ضعیف و ساختگی را از گزارش‌های مستند جدا نموده است. از مهم‌ترین اهداف تألیف این کتاب می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. ارائه تصویر اصیل و خالص از سیره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم؛
۲. زدودن تحریفات و خرافات از سیره نبوی؛
۳. پاسخ به شبهات مطرح‌شده در زمینه تاریخ اسلام؛
۴. ارائه الگوی عملی برای جامعه اسلامی از طریق سیره نبوی.

۱-۲-۱. روش‌شناسی و معیارهای نقد

مهم‌ترین ویژگی این کتاب، روش تحلیلی-انتقادی آن است. عاملی صرفاً به گردآوری روایات بسنده نکرده، بلکه هر گزارش را با معیارهای چندگانه ای می‌سنجد و سپس درباره پذیرش یا رد آن داوری می‌کند. از امتیازات این اثر ارزشمند علاوه بر تتبع و دقت نظر و چندجانبه بودن آن (تاریخی، قرآنی، کلامی و...) تحلیل کاملاً نقادانه تاریخی آن است که در جای‌جای مباحث به چشم خواننده می‌آید. البته، نویسنده غالباً در تحلیل‌های خود از بینش کلامی و فکری خود استفاده می‌کند و دیدگاه‌ها و استنباط‌های خویش را عنوان می‌دارد؛ به بیان دیگر، مباحث تاریخی او با اعتقادات کلامی اش عجین شده است. پرننگ بودن مباحثی، چون عصمت و تقیه، از این مهم حکایت می‌کند.

از خصوصیات دیگر این کتاب نتیجه‌گیری از تحلیل‌ها و به بیان دیگر، اجتهادی بودن تحلیل‌های اوست؛ بدین بیان که پس از جمع‌آوری داده‌ها و اخبار تاریخی و ارزیابی و تحلیل متون، ارتباطی منطقی بین آن‌ها برقرار کرده و از آنجا وارد جمع‌بندی، اجتهاد و نتیجه‌گیری می‌شود، مانند موارد فراوانی چون آغاز وحی، داستان شق صدر، اسلام آوردن ابوذر و دشمنی یهود با اسلام. در مجموع، نویسنده کوشیده با توجه به مجموع روایات تاریخ اسلام و احادیثی که جنبه تاریخی ندارند، اثری عالمانه و مبتنی بر روش‌های محققانه ارائه

کند. مهم‌ترین ویژگی‌های روشی کتاب را -چنان‌که خود مؤلف بیان داشته- می‌توان از این قرار دانست:

- بررسی همه جوانب زندگی پیامبر ﷺ از تولد تا رحلت؛
- تحلیل روایات تاریخی باتوجه‌به اسناد و محتوا؛
- توجه به قرائن تاریخی و «علل و نتایج» رویدادها؛
- مقایسه روایات مختلف و انتخاب معتبرترین آن‌ها (مرتضی، ۲۰۰۴، ج ۱: ۶۰-۵۰).

۱-۱-۳. محتوای کتاب

جلد نخست کتاب به مباحث تمهیدی درباره تاریخ صدر اسلام پرداخته و روش تدوین کتاب را یادآور شده است و سیاست‌های حاکمان اموی و عباسی در مخالفت با سنت پیامبر ﷺ را تبیین نموده و بعضی از تلاش‌های آنان در جهت تحریف سنت پیامبر ﷺ را ذکر می‌کند.

بخش مهمی از این جلد به مباحث مقدماتی در حوزه سیره نگاری اختصاص دارد. نویسنده درصدد است که به‌جای تبیین کلیات و توضیح مفاهیم به بررسی پیشینه سیره‌نگاری و خطوط کلی آن در دو مکتب خلافت و امامت بپردازد. از این رو، در هشت فصل، موضوعاتی از قبیل: سیمای پیامبر ﷺ در مکتب خلافت، سیاست منع تدوین و نقل حدیث، مفتیان جایگزین، قصه‌گویان و نقش آنان در تحریف سیره، اهداف، انگیزه‌ها، آثار و نتایج سیاست‌های رسمی در قبال سیره، ضرورت حضور امام معصوم در جامعه، معیارها و ضوابط آشفته در تدوین و نقل سیره، و ضوابط و معیارهای درست پژوهش علمی، را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد.

در فصل هفتم این جلد به بررسی ضوابط آشفته در تدوین و نقل سیره نبوی براساس مکتب و سیاست رسمی خلفا و فرمانروایان پرداخته و بیش از پنجاه مورد از این ضوابط را با توضیح مختصر برشمرده است. از مهم‌ترین موارد می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد: عدالت صحابه، زندیق بودن منتقد صحابه، بخشودگی گناهان بدری‌ها، اجتهاد و فتوای صحابه، اجتهاد در مقابل نص، سنت خلفا، روایات مرسل صحابه، سهو پیامبر ﷺ، عصمت

امت، اجماع، ظن، رأی و قیاس، سدّ باب اجتهاد، موافقت اهل کتاب، حدیث بنی اسرائیل، حُسن و قُبْح شرعی، و صدور انحصاری فتوا. فصل هشتم به تبیین معیارها و ضوابطی اختصاص دارد که از دیدگاه نویسنده می‌تواند پژوهشگر سیره نبوی را در رسیدن به اخبار صحیح یاری کند.

- جلد دوم از قبل از تولد حضرت آغاز شده و تا بعثت ادامه دارد.
- جلد سوم و چهارم به ابتدای دعوت، معراج، انذار عشیره، هجرت حبشه، شعب ابوطالب، عام‌الحزن، ایمان ابوطالب و هجرت به مدینه می‌پردازد.
- جلد پنجم با اقدامات پیامبر ﷺ در مدینه آغاز شده و در ادامه، جنگ بدر را بیان می‌کند.
- جلد ششم مربوط به اتفاقات بین بدر و أحد است و با ذکر غزوه أحد پایان می‌یابد.
- جلد هفتم تا دهم به حوادث بعد از جنگ أحد تا پایان جنگ خندق می‌پردازد.
- جلد یازدهم تا شانزدهم غزوه بنی قریظه، حدیث افک، برخی از غزوات و سریّه‌ها و صلح حدیبیه را دربر دارد.
- جلد هفدهم و هجدهم غزوه خیبر و حوادث پس از آن را شرح می‌دهد.
- جلد نوزدهم و بیستم به جنگ موته و حوادث قبل از فتح مکه پرداخته است.
- جلد بیست و یکم تا بیست و چهارم فتح مکه و وقایع پس از آن تا جنگ حنین را بیان می‌کند.
- جلد بیست و پنجم تا بیست و هشتم به گسترش اسلام تا قبل از جنگ تبوک می‌پردازد.
- جلد بیست و نهم تا سی و سوم جنگ تبوک، حجّة الوداع، واقعه غدیر، شهادت پیامبر ﷺ، دفن حضرت و ماجرای سقیفه را شرح می‌دهد.
- دو جلد پایانی کتاب هم به فهرست‌ها اختصاص دارد.

مرتضی اعتقاد عمیقی به بهره‌گیری از آیات قرآن در موضوعات و مسائل گوناگون سیره دارد و با عنایت به آنچه درباره معیار بودن قرآن در پذیرش یا ردّ اخبار و حوادث تاریخی در جلد نخست آورده، قرآن را صحیح‌ترین کتاب می‌داند که باطل به هیچ وجه در آن راه ندارد؛ از این رو، کتاب خدا را درست‌ترین و بزرگ‌ترین معیار و میزان سنجش صحت و سقم روایات و اخبار برمی‌شمارد. وی با استناد به روایات و احادیث متواتر، عقیده دارد که باید همه

روایات را به کتاب خدا عرضه کرد، و هرچه موافق آن بود، گرفت و هرچه مخالف آن باشد، ترک کرد؛ سپس، روایاتی از منابع شیعه و سنی در تأیید دیدگاه خویش می آورد و نتیجه می گیرد که این حکم پیامبر ﷺ، ائمه اطهار و شماری از صحابه است که قرآن را حکم، مرجع و میزان تشخیص حق از باطل معرفی کرده اند. عقل سلیم و فطرت مستقیم نیز پس از اقامه دلیل بر اینکه قرآن، کتاب منزل خداوند بر پیامبر مرسل است، به همین قاعده حکم می کند. نویسنده، بر پایه همین عقیده، لااقل از پانصد آیه قرآن در اثبات صحت اخبار و حوادث یا رد شماری از گزارش های تاریخی بهره برده است. الصحيح من سيرة النبي الأعظم ﷺ کتابی مهم در حوزه سیره نبوی است که مهم ترین ویژگی های آن به اختصار چنین است:

- بررسی دقیق و عمیق سیره نبوی و حوادث عصر رسالت با استناد به منابع گوناگون شیعی و سنی در حوزه های مختلف دانش های اسلامی؛
- تبیین دقیق سیاست های ضدنبوی در ترسیم چهره ای مخدوش و نادرست از شخصیت پیامبر ﷺ؛
- تسلط ستایش برانگیز مؤلف بر منابع تاریخی جدید و قدیم شیعه و اهل سنت؛
- اجتهاد در تاریخ، تحلیل عمیق درباره حوادث و استفاده از علم کلام و اصول عقیدتی در تحلیل های تاریخی؛
- بازنگری در کتب تاریخی مکتب خلافت و مناقشه در مبانی کلامی آن ها با استفاده از تاریخ؛
- بهره گیری از مبانی کلامی در تبیین سیره بمعنی الأخص یعنی مواضع، اعمال و سخنان پیامبر ﷺ.

۱-۱-۴. جایگاه و اهمیت اثر

«الصحيح من سيرة النبي الأعظم» به دلیل دقت علمی، گسترده گی مطالب و روش نظام مندش، به یک منبع معیار در مطالعات سیره نبوی تبدیل شده است. این کتاب الگویی برای سیره پژوهی تحلیلی در دوره معاصر ارائه داده و تأثیر عمیقی بر پژوهش های بعدی در

این حوزه گذاشته است (سپهری، ۱۳۸۵: ۲۴-۵). اگرچه برخی نقدهای او بر راویان یا تطبیق قواعد کلامی بر تاریخ، مورد بحث و مناقشه محققان قرار گرفته (جلیلیان و ایازی، ۱۳۹۶: ۱۰۹-۱۲۷)، هیچ‌کس در اصالت علمی و امانتداری او تردیدی نکرده است. در مجموع، کتاب «الصحيح من سيرة النبي الأعظم» علامه سیدجعفر مرتضی عاملی، پروژه‌ای عظیم و پیشگامانه در پالایش سیره نبوی از تحریفات و ارائه خوانشی مستند و مبتنی بر مبانی اسلامی است. این اثر نه تنها یک دائرةالمعارف تاریخی، مدرسی برای روش نقد تاریخی از دیدگاه یک عالم مسلمان است.

۱-۱-۵. مخاطبان کتاب

- محققان و دانشجویان رشته‌های تاریخ و علوم اسلامی؛
- طلاب علوم دینی و پژوهشگران سیره نبوی؛
- خطیبان و مبلغان دینی؛
- عموم علاقه‌مندان به مطالعه زندگی پیامبر ﷺ.

۱-۱-۶. ویژگی‌های کتاب

- جامعیت در پوشش تمامی ابعاد سیره نبوی؛
 - دقت علمی در بررسی اسناد و متون؛
 - روش منظم در تحلیل تاریخی؛
 - پاسخ‌گویی به شبهات معاصر.
- این اثر یکی از معتبرترین منابع سیره نبوی در دوران معاصر شناخته می‌شود و مرجعیتی علمی در میان پژوهشگران دارد.

۲-۱. معرفی اجمالی «خاتم النبیین؛ الإدارة، الثقافة البیانیة، المبادی»

کتاب خاتم النبیین، اثر گرانسنگ علامه سیدمحمدسعید حکیم طباطبایی، پژوهشی عمیق و نظام‌مند درباره شخصیت والای پیامبر خاتم ﷺ است. این کتاب با بهره‌گیری از منابع دست‌اول اسلامی و با نگاهی تحلیلی، به بررسی ابعاد گوناگون زندگی، اقدامات و راهبردهای پیامبر در مسیر تبلیغ و تثبیت دین اسلام می‌پردازد. نویسنده در این اثر نه تنها به

رویدادهای تاریخی بسنده نکرده، با کنکاش در لایه‌های زیرین حوادث، به تبیین فلسفه تاریخی رسالت پیامبر و عوامل ماندگاری و موفقیت آن همت گمارده است. این کتاب را می‌توان دایرةالمعارفی جامع در مورد سیره نبوی دانست که برای محققان و علاقه‌مندان به تاریخ اسلام منبعی ارزشمند محسوب می‌شود.

۱-۲-۱. اهداف و انگیزه‌های تألیف

اهداف اصلی تألیف کتاب را براساس مطالب نویسنده کتاب، می‌توان در موارد زیر بیان کرد:

- تبیین مقام والای نبوی و ارائه تصویری شفاف و کامل از شخصیت ممتاز پیامبر ﷺ به مثابه خاتم پیامبران و الگوی بشریت؛
- پاسخ به شبهات معاصر و بررسی و نقد شبهاتی که درباره موفقیت رسالت پیامبر ﷺ و نتایج عملی آن در طول تاریخ مطرح شده است؛
- الگوسازی برای امت اسلامی و ارائه تصویری از پیامبر به‌عنوان اسوه حسنه در تمامی ابعاد فردی، اجتماعی، سیاسی و نظامی برای مسلمانان عصر کنونی؛
- تأکید بر نقش محوری اهل بیت علیهم‌السلام و نشان دادن ارتباط ناگسسته رسالت نبوی با امامت و تبیین نقش اهل بیت علیهم‌السلام در حفظ و تداوم دین؛
- ترسیم نقشه راه برای بیداری اسلامی و ارائه راهکارهایی برای مسلمانان در جهت بازگشت به ارزش‌های اصیل اسلامی و مقابله با چالش‌های دنیای معاصر؛
- احیای فرهنگ اصیل اسلامی و مبارزه با تحریفات تاریخی و ارائه قرائتی صحیح از تاریخ صدر اسلام.

۱-۲-۲. روش‌شناسی پژوهش و معیارهای نقد

مؤلف محترم در تدوین این اثر از روش‌های پژوهشی متنوع و علمی بهره برده است. با بررسی محتوای کتاب می‌توان اصول کلی روش‌هایی را که ایشان در تدوین اثر خویش به کار گرفته در موارد زیر بازگو کرد:

۱. روش توصیفی-تحلیلی: توصیف دقیق وقایع تاریخی و سپس تحلیل عمیق آن‌ها با توجه به اهداف و مبانی اسلامی؛

۲. استناد به قرآن کریم: استفاده گسترده از آیات قرآن به مثابه معیار اصلی سنجش و تبیین حوادث و مواضع؛
۳. بهره‌گیری از منابع معتبر روایی: استناد به احادیث معتبر از پیامبر ﷺ و اهل بیت  از منابع فریقین؛
۴. نقد تاریخی: ارزیابی و نقد روایات تاریخی براساس اسناد و محتوا، و تمیز دادن روایات صحیح از ضعیف؛
۵. رویکرد تربیتی و اخلاقی: توجه ویژه به ابعاد تربیتی سیره نبوی و استخراج درس‌های اخلاقی برای زندگی فردی و اجتماعی؛
۶. تحلیل روان‌شناختی: واکاوی انگیزه‌ها و رفتارهای شخصیت‌های تاریخی حاضر در صحنه صدر اسلام؛
۷. روش مقایسه‌ای: مقایسه رفتارها و راهبردهای پیامبر ﷺ با دیگران در مواقف مشابه.

۱-۲-۳. محتوای کتاب

انتشارات دارالهلل کتاب «خاتم النبیین ﷺ؛ الإدارة، الثقافة البیانیة، المبادی» را در سال ۱۴۴۲ هجری در ۵۰۰ صفحه منتشر کرده و تاکنون ترجمه‌ای از آن به فارسی صورت نگرفته است. ساختار کتاب بدین‌گونه است:

مقدمه که شامل دلیل تألیف کتاب است. نویسنده در این بخش اشاره می‌کند که دلیل اصلی تألیف کتاب درخواست برادر مؤمنی از ایشان بوده که برای نشر فرهنگ صحیح دینی درخواست نگارش کتابی درباره شخصیت نورانی پیامبر اکرم ﷺ را داشته و در این زمینه اصرار فراوان کرده است. نویسنده در اینجا تأکید می‌کند که در این کتاب به اثبات نبوت یا بیان فضائل شخصیتی پیامبر پرداخته؛ چون اولاً این موضوعات در کتب دیگر بحث شده و ثانیاً این مباحث با نیازهای دنیای معاصر متناسب نیست. بنابراین، محتوای کتاب به مسائلی اختصاص یافته که مورد نیاز انسان امروزی، اعم از دین دار و غیر دین دار، در بُعد فردی و اجتماعی است.

در بخش پیش درآمد کتاب، که شامل دو بحث: بیان وظیفه انبیا و عدم تفاوت میان

پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ است، نویسنده با بیان وظایف اصلی انبیا، به برداشت‌های ناصواب در این زمینه پرداخته و در اصلاح این نگاه‌ها کوشیده است. در بخش دوم پیش درآمد نیز با بیان جایگاه رفیع ائمه ﷺ، تصور برتری ایشان بر پیامبر ﷺ را نقد نموده و بر رفعت ویژه مقام نبوی تأکید کرده است.

مبحث اول کتاب درباره کوشش‌های مادی و ملموس پیامبر در جهت اداره جامعه است. این مبحث شامل دو فصل است. فصل نخست به تلاش‌های پیامبر در اصلاح اوضاع مسلمانان اختصاص یافته است. نویسنده اتفاقات و حوادث گوناگون دوران رسالت را در مکه و مدینه به دقت بررسی کرده و همه آن‌ها را در چهارچوب تلاش‌های اصلاحگرانه پیامبر ﷺ تبیین نموده است. فصل دوم درباره تلاش پیامبر برای ترویج اسلام واقعی است. نویسنده در اینجا ضمن بررسی توهم شکست پیامبر در اهداف خویش، وجود ضعف در شیوه مدیریت ایشان را حاصل توهم و نادانی دانسته و با بهره‌گیری از تحلیل‌های تاریخی-اجتماعی شرایط ظهور اسلام و نیز استناد به آیات قرآن به رد این شبهات پرداخته است.

مبحث دوم به دستاورد فرهنگی و تبلیغی پیامبر پرداخته است. نویسنده در این بخش با بیان ویژگی‌های فرهنگ تبلیغی اسلام از حیث مضمون و اسلوب، شبهه انتساب صرف این دستاوردها به اهل بیت ﷺ را رد نموده و با تحلیل هفده مورد از خطبه‌های نبوی، ساختار تبلیغی آن‌ها را بررسی کرده است.

مبحث سوم درباره اصول والای نبوی است. فصل نخست این مبحث به مفاهیمی، از جمله وفای به عهد، صدق، و امانت‌داری، اشاره دارد. فصل دوم درباره اصول تعلیمات نبوی است که مطابق با فطرت انسانی اند؛ از جمله نیکی به پدر و مادر، صلۀ رحم، حُسن همجواری، مردم‌دوستی، برادری هم‌کیشان، احترام به بزرگ‌تر، حیا، صبر، گذشت، شکر نعمت، قول معروف، تواضع و... نویسنده در توضیح هر مفهوم علاوه بر بیان نمونه‌هایی از سیره نبوی، مسائل اجتماعی مرتبط با آن مفاهیم را نیز بررسی نموده و از این رهگذر به اصلاح برخی دیدگاه‌ها یا باورهای نادرست در جامعه اسلامی - به ویژه در جوامع شیعی - پرداخته است.

تممه کتاب به ویژگی‌های خَلْقی و خَلْقی پیامبر اختصاص یافته است. در بخش منابع

کتاب نیز نام ۲۲۲ اثر - که نویسنده در کتاب به آن‌ها استناد کرده - آمده است. نکته قابل تأمل در خصوص منابع کتاب این نکته است که قریب به اتفاق همه منابع در دسته منابع کهن قرار می‌گیرند و فقط می‌توان به ۱۸ اثر اشاره کرد که از قرن ۱۱ هجری به این سو به نگارش درآمده‌اند. این آثار عبارت‌اند از: إثبات الهدات بالنصوص والمعجزات، الفصول المهمه و وسائل الشیعه شیخ حرّ عاملی، بحار الأنوار و مرآت العقول علامه مجلسی، تحفة الاحوذی مبارکفوری، تفسیر المراغی مصطفی مراغی، جامع احادیث شیعه آیت‌الله بروجردی، جمهرة النخط العرب زکی صفوت، روح المعانی آلوسی، فاجعة التف و فی رحاب العقیده اثر خود مؤلف، فتح القدير و نیل الأوطار شوکانی، مجمع البحرین طریحی، مستدرک الوسائل محدث نوری، معجم رجال الحدیث آیت‌الله خوئی و ینایع المودّه قندوزی. در این میان، مؤلف کتاب با وجود انتشار کتاب الصحیح مرحوم سیدجعفر مرتضی در زمان تدوین این کتاب، در هیچ جای اثر خویش به این کتاب استناد نکرده است.

۱-۲-۴. جایگاه و اهمیت اثر

کتاب خاتم النبیین اثر ماندگار علامه طباطبایی، گنجینه‌ای ارزشمند از معارف نبوی است که با روشمندی علمی و عمق تحلیلی کم‌نظیر، تصویری جامع و واقعی از شخصیت و رسالت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله ارائه می‌دهد. این کتاب نه تنها به گذشته می‌نگرد، با استخراج درس‌های کاربردی، چراغ راه آینده امت اسلامی است. تأکید بر نقش محوری اهل بیت علیهم السلام، به مثابه ادامه‌دهندگان راه پیامبر صلی الله علیه و آله، از ویژگی‌های بارز این اثر است که آن را از دیگر کتب سیره متمایز می‌سازد.

۱-۲-۵. مخاطبان اصلی کتاب

- پژوهشگران و دانشجویان: این کتاب به مثابه منبعی معتبر برای تحقیقات در زمینه تاریخ اسلام، سیره نبوی و علوم اسلامی قابل استفاده است.
- طلاب علوم دینی: برای تعمیق و معاصر سازی درک خود از سیره نبوی و تقویت توان استدلال در زمینه دفاع از حریم اسلام؛
- مبلغان و خطبای دینی: برای استفاده در جلسات مذهبی و پاسخ به شبهات تاریخی، به ویژه شبهات اجتماعی معاصر؛

- مدیران و سیاستمداران مسلمان: برای الگوگیری از سیره مدیریتی و سیاسی پیامبر ﷺ در اداره جامعه؛
- عموم علاقه‌مندان به تاریخ اسلام: برای آشنایی با تحلیل‌های عمیق، روزآمد و مبتنی بر نیاز انسان معاصر از تاریخ صدر اسلام؛
- مراکز علمی و پژوهشی: به‌عنوان منبع درسی و تحقیقاتی در رشته‌های تاریخ، علوم قرآن و حدیث.

۱-۲-۶. ویژگی‌های کتاب

- جامعیت در پوشش موضوعات گوناگون سیره نبوی؛
- تحلیل‌های عمیق و مبتنی بر مبانی اسلامی؛
- توجه به ابعاد گوناگون شخصیت پیامبر ﷺ؛
- نگاه واقع‌بینانه به ضعف و قوت‌های جامعه اسلامی؛
- ارائه درس‌های کاربردی برای دنیای معاصر؛
- استناد گسترده به منابع معتبر؛
- نثر روان و شیوا همراه با استدلال‌های محکم.

۲. مقایسه روش سیره‌نگاری مرحوم سیدجعفر مرتضی و مرحوم حکیم

باتوجه به آنچه گذشت، باید گفت در دوره معاصر این دو کتاب در میان آثار دانشمندان شیعی جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارند. روش هر دو نویسنده، که می‌توان از آن با عنوان روش تحلیلی نام برد، نیز از جهات گوناگون مهم و قابل استفاده برای دیگر علاقه‌مندان به این حوزه است. در ادامه، ضمن بررسی معیارهای این دو نویسنده در خصوص تحلیل گزارش‌های سیره‌نبوی، نمونه‌هایی از این دو اثر ارائه می‌شود. پیش از ورود به این بخش باید تأکید کرد که این دو کتاب از حیث حجم مطالب و نیز هدف نویسندگان آن‌ها از تألیف، با یکدیگر متفاوت‌اند؛ اما از آنجاکه در هر دو اثر با روش تحلیلی به بررسی سیره نبوی پرداخته شده، هدف ما مقایسه روش دو عالم گرانقدر در این خصوص است، نه مقایسه همه‌جانبه دو کتاب. برای تبیین بهتر موضوع، چهارچوب مورد استفاده در این پژوهش برگرفته از معیارهای

ارائه شده از سوی مرحوم عاملی درباره ضوابط موردنیاز برای پژوهش علمی در سیره نبوی است. ایشان در این باره به بیان ضابطه و ملاک برای شناخت اخبار درست پرداخته و بر این باور است که پابندی به این ضوابط برای پژوهش در زمینه پذیرش یا رد اخبار و متون تاریخی -از جمله سیره نبوی- ضروری است. برخی از این ضوابط عبارت‌اند از: بهره‌گیری از قرآن در تحلیل موضوعات، بررسی حال رجالی راوی، عدم تعارض نصوص در مسائل عقلی و عقیدتی، شخصیت‌شناسی افراد، عدم مخالفت اخبار با بدیهیات علمی و امکان وقوع تاریخی (مرتضی، ۲۰۰۴، ج ۱: ۲۶۰-۲۶۷).

۱-۲. بهره‌گیری از قرآن در تحلیل موضوعات

عاملی ضمن تأکید بر معیار بودن قرآن در تشخیص حق از باطل در خصوص گزارش‌های سیره نبوی، از حدود پانصد آیه قرآن در اثبات صحت اخبار و حوادث یا رد برخی از گزارش‌های تاریخی استفاده کرده است؛ برای نمونه، موضوعات مرتبط با شخص رسول خدا ﷺ مثل: شق صدر (مرتضی، ۲۰۰۴، ج ۲: ۸۷ و ۸۸)، ایمان پدران حضرت (مرتضی، ۲۰۰۴، ج ۲: ۱۸۷-۱۹۰)، نبوت و ایمان حضرت پیش از بعثت (مرتضی، ۲۰۰۴، ج ۲: ۱۹۶-۲۰۱) و بشارت یهود و نصارا به ظهور حضرت (مرتضی، ۲۰۰۴، ج ۲: ۲۲۱).

حکیم نیز در بررسی سیره نبوی در موارد چشمگیری به آیات قرآن اشاره می‌کند؛ از جمله ضمن بیان شبهه عدم توفیق پیامبر ﷺ در اصلاح واقعی امت و ایجاد زمینه پیروی اهل بیت ﷺ در مردم. وی پس از تبیین این شبهه و شرح مدعای قائلان، برای پاسخ به این شبهه ایشان ابتدا به ترتیب و اهمیت وظایف گوناگون پیامبر ﷺ براساس قرآن اشاره می‌کند (الطباطبایی الحکیم، ۲۰۲۱: ۱۵۲) و در ادامه با استفاده از آیات و روایات متعدد تأکید می‌کند که تلاش‌های پیامبر ﷺ در ارائه حقیقت و تبیین حق از باطل به بهترین شکل به ثمر نشسته است. در جای دیگر براساس آیات قرآن تأکید می‌کند که اتفاق پس از رحلت پیامبر ﷺ، از جنس کفر بوده که موجب روسیاهی در قیامت است (الطباطبایی الحکیم، ۲۰۲۱: ۱۵۳-۱۵۵).

۲-۲. بررسی حال رجالی راوی

مرحوم عاملی در خصوص شماری از راویان بسیار سخت گیر است و اساساً حال رجالی آن‌ها را مهم‌ترین ملاک در بررسی گزارش‌های آنان می‌داند؛ از جمله وی در مورد زیریان حساسیت ویژه‌ای نشان می‌دهد؛ همچنین، درباره‌ی راویان مسلمان شده‌ی اهل کتاب - خصوصاً یهودیان - تردید جدی دارد و معتقد است که اخبار و گزارش‌های منقول آنان با اهداف و انگیزه‌های جانبدارانه و با نیت تقویت مواضع برخی شخصیت‌ها و تضعیف پایگاه سیاسی - اجتماعی گروهی دیگر و گسترش اسرائیلیات در میان مسلمانان صورت گرفته است؛ از این رو، اخبار و گزارش‌های حادثه‌ی رجیع را - که در آن شخصیت بی‌ظنیر و مثال‌زدنی از زیر ترسیم می‌شود - به شدت رد می‌کند و باور دارد که این روایات را خاندان زیر برای تقویت مواضع خود ساخته‌اند (مرتضی، ۲۰۰۴، ج ۷: ۲۱۵-۲۳۰).

درسوی دیگر، مرحوم حکیم در بیان مطالب تاریخی در خصوص سرگذشت پیامبر ﷺ از منابع گوناگون شیعه و اهل سنت استفاده کرده و به هیچ‌عنوان به بررسی صحت و سقم نقل‌ها نپرداخته، بلکه با رجوع به منابع گوناگون سیره‌نوی احادیث و وقایع تاریخی را از آن منابع ذکر کرده است. ذکر توالی تاریخی حوادث دوران حیات پیامبر ﷺ و بیان شیوا و ساده در توضیح ماجرا بدون پرداختن به نقل‌های گوناگون و گاه معارض و ذکر اتفاق اصلی بدون توجه به حواشی غیرمرتبط از نکات مهم روش وی است (الطباطبایی الحکیم، ۲۰۲۱: ۲۹-۱۴۸). این عدم کنکاش در احوال رجالی راویان یا بی‌توجهی به بررسی سندی البته در همه‌ی بخش‌های کتاب وی صادق نیست. حکیم در بخشی از کتاب خویش که به بیان اخلاق کریمانه‌ی پیامبر ﷺ و شواهد و مستندات برخوردها و رفتارهای بزرگوارانه‌ی ایشان در شرایط و حالات مختلف اختصاص دارد، صرفاً به آیات قرآن کریم و روایات شیعی استناد کرده و برخلاف بخش‌های قبلی کتاب به هیچ‌عنوان به منابع اهل سنت و احادیث و روایات آن‌ها استناد یا اشاره ننموده است (الطباطبایی الحکیم، ۲۰۲۱: ۲۶۶). این نکته بیانگر آن است که وی گرچه در بیان کلیات تاریخی و سیر اتفاقات نیازی به کنکاش احوال رجالی گزارش‌دهندگان نمی‌بیند، در جایی که به تبیین شخصیت و ویژگی‌های اخلاقی پیامبر ﷺ می‌پردازد صرفاً به منابعی رجوع می‌کند که از نگاه وی اتقان و اعتبار دارند.

از این حیث، می‌توان بین دو شیوه عمل این دو نویسنده تمایز قائل شد. عاملی توجه به احوال و انگیزه‌های راویان را در نقل وقایع تاریخی نیز مهم می‌داند؛ اما حکیم صرفاً در مواردی که نیاز به تبیین و تحلیل عمیق‌تر دارد به این نکات اهتمام می‌ورزد و در بقیه موارد با گزارش‌های راویان با تسامح برخورد می‌کند.

۳-۲. عدم تعارض نصوص در مسائل عقلی و عقیدتی

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در علم تاریخ مطرح است، تعارض گزارش‌های تاریخی و اصول عقیدتی است. پرسش مهمی که در این وضعیت مطرح می‌شود این است که در صورت وقوع تعارض بین این دو، کدام یک باید مقدم شود؟

عاملی بر این باور است که سیره نبوی صرفاً تاریخ نیست، تا در پذیرش یا رد آن فقط معیارهای تاریخی و روش‌های بررسی اسناد و مدارک تاریخی مورد توجه باشد؛ بلکه سیره در واقع منبع معرفت شناختی است که همه علوم اسلامی، آموزه‌ها و ارزش‌های دینی از آن قابل استخراج است (مرتضی، ۱۳۸۵: ۵). وی هنگام تعارض بین مسائل عقیدتی و گزاره‌های تاریخی، مسائل عقیدتی قطعی را که از حقایق ثابت حکایت دارند بر نقل ترجیح داده و دلایل مختلفی، مانند تحریف حقایق تاریخی، را برای اثبات مدّعی خویش ارائه کرده است. در پاسخ به این پرسش که «آیا باورهای کلامی می‌تواند به مثابه معیار تشخیص صحیح از ناصحیح در اخبار و نصوص و قضایای تاریخی شمرده شود؟» می‌نویسد: «قضایای مسلم کلامی و آنچه باورهای یقینی و مسلم ما را تشکیل می‌دهد، به طور حتم نقش اساسی در شناخت صحیح از ناصحیح دارد، چراکه ما نمی‌توانیم خبر معارض با این باورها را بپذیریم» (مرتضی، ۱۳۶۹: ۶۴).

عصمت پیامبر ﷺ در امور تبلیغ مورد پذیرش علمای فریقین و از اعتقادات مشترک میان علمای شیعه و سنی است. عاملی گاهی با استناد به این باور عمومی، روایات تاریخی مخالف را مردود می‌شمرد؛ برای نمونه، وی در نقد و ردّ روایات مربوط به چگونگی تشریح اذان می‌نویسد: «ما بر این باوریم که این روایات صحیح نیستند» و در استدلال دوم خود می‌نویسد: «ادعای شنیدن اذان توسط عمر از جبرئیل یا رؤیت اذان توسط ابن‌زید در حالت

بیداری پذیرفته نیست؛ زیرا معنایش این است که آن‌ها از انبیا باشند و آنان اذان را از جبرئیل دریافت کرده و فرمان تشریحی و توقیفی را از او شنیده‌اند، [در صورتی که] این کار از ویژگی‌های پیامبران علیهم‌السلام است» (مرتضی، ۲۰۰۴، ج ۵: ۱۵۰-۱۵۳). وی همچنین به سخن امام حسن علیه‌السلام استناد می‌کند زمانی که نزد حضرت از رؤیای عبدالله بن زید درباره تشریح اذان صحبت می‌کردند، فرمود: «شأن اذان بزرگ‌تر از آن است [که توسط عبدالله بن زید دیده شود]. اذان توسط جبرئیل به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آموزش داده شده است» (مرتضی، ۲۰۰۴، ج ۵: ۱۴۹-۱۵۵). البته، به نظر می‌رسد منظور عاملی از رد ادعای شنیدن اذان توسط عمر از جبرئیل یا رؤیت اذان توسط ابن زید در حالت بیداری این نیست که چنین ادعایی صورت نگرفته، بلکه منظور وی این است که اگر هم چنین ادعایی صورت گرفته باشد امکان وقوع چنین امری ممکن نیست؛ زیرا اذان یک امر تشریحی و توقیفی است و دریافت امور تشریحی در شأن پیامبران است.

البته، عاملی به باورهای کلامی شیعی به شدت معتقد است. چنین مواردی را می‌توان در مباحث مرتبط با چهره‌های شاخص اهل سنت یافت که به گونه‌ای با مواضع عقیدتی وی سازگاری ندارند، اگرچه در عمده مباحث دلایل و شواهدی بر مبنای معیارهای خویش ارائه می‌دهد، اما در مواردی به نظر می‌رسد که بر پایه همین معیارها، از طرف مقابل به سختی بازخواست می‌کند و رفتاری سخت‌گیرانه با او در پیش می‌گیرد (مرتضی، ۲۰۰۴، ج ۳: ۲۶۴-۲۶۶).

عاملی روایات تاریخی مخالف با عصمت اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام را نیز توجیه می‌کند. برای نمونه، در روایات مربوط به حدیث آمده است که علی علیه‌السلام با وجود دستور پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، از پاک کردن عبارت «رسول الله» خودداری می‌کرد (حلبی، ۱۴۰۰ق، ج ۳: ۲۸ و ۲۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۱۸۰). وی در این باره می‌نویسد: «اگر صدور این مخالفت را از علی علیه‌السلام بپذیریم، باز هم دلالتی بر عدم عصمت وی نمی‌کند، زیرا وی احتمال داده که فرمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به محو نامش، فرمان حقیقی نبوده، بلکه همگامی با سهیل بوده، نه اینکه ایشان آن را ترجیح می‌دهد» (مرتضی، ۲۰۰۴، ج ۱۶: ۹۱-۹۵). اصولاً وی بسیاری از اخبار و گزارش‌های تاریخی را حتی اگر با سند صحیح و در منابع شیعه آمده باشد، با این توجیه که موجب طعن

در عصمت پیامبر ﷺ می‌شود، مردود می‌شمارد. (برای نمونه، بنگرید به: مرتضی، ۲۰۰۴، ج ۸: ۳۵۶؛ ج ۱۵: ۹۲ و ۹۳؛ ج ۱۷: ۱۳۳).

حکیم اما در اثر خویش وارد مباحث اعتقادی نمی‌شود و با وجود اینکه تأکید بر عصمت نبی اکرم ﷺ دارد، این موضوع را معیار و مقیاسی برای بررسی گزارش‌های سیره ایشان نمی‌داند. از نظر وی پرداختن به موضوعات کلامی به معنای عام و مفاهیمی چون عصمت پیامبر ﷺ به صورت خاص، اختصاص به کتب کلامی دارد (الطباطبایی الحکیم، ۲۰۲۱: ۶). این دیدگاه وی بیانگر آن است که از نظر نویسنده بهره‌گیری از مبانی علمی کلام و عقاید در هنگام پرداختن به دانشی که به جهت روش و منابع با کلام متفاوت و متمایز است، از حیث روشی پسندیده نیست.

وی همچنین تأکید می‌کند که بحث عصمت را در کتاب اصول‌العقیده مفصل و کامل بررسی کرده و در کتاب کنونی هدف اصلی را محدود به جنبه‌های مادی و محسوس سیره و نیازهای جوامع انسانی دانسته است (الطباطبایی الحکیم، ۲۰۲۱: ۶). ایشان همچنین هدف خویش از تدوین کتاب را بیان تفصیلی دستاوردهای شگرف نبی اکرم ﷺ در گسترش اسلام و دعوت اسلامی عنوان نموده و تأکید می‌کند برای این هدف به جزئیات مسائل مرتبط با سیره نبوی نمی‌پردازد؛ چه این مسائل به دقت و با جزئیات فراوان در کتب سیره و تاریخ موجود است (الطباطبایی الحکیم، ۲۰۲۱: ۹). موضوع مورد توجه کتاب پرداختن به اصول اساسی نهضت اسلامی و چگونگی مواجهه این نهضت با تمدن‌های ریشه‌دار و قدرتمند دیگر به منظور نشان دادن کامیابی‌ها و دستاوردهای دعوت اسلامی است. به همین دلیل، مؤلف محترم بحث خویش را متوقف بر شناخت وظایف و اهداف انبیا می‌داند و بر این باور است که فقط از این طریق می‌توان درباره موفقیت یا عدم موفقیت دعوت انبیا اظهار نظر کرد (الطباطبایی الحکیم، ۲۰۲۱: ۱۰).

البته، مرحوم حکیم از مبانی کلامی در مقیاس کلی تر بهره برده است. وی براساس اقتضای خاتمیت دین اسلام، که یک گزاره قطعی کلامی است، تأکید می‌کند که این موضوع نشان‌دهنده آن است که باید همه ابعاد دین اسلام توسط پیامبر ﷺ به خوبی تبیین و روشن شده باشد تا همه انسان‌های پس از ایشان بتوانند به حقیقت اسلام دست یابند. در ادامه این

سخن، دلایل حقانیت مذهب اهل بیت علیهم السلام و تفاوت آن با دیگر مذاهب را نمونه روشنی برای این نکته می‌داند (الطباطبایی الحکیم، ۲۰۲۱: ۱۵۳-۱۵۵).

از این حیث، باید به تفاوت عمده این دو نویسنده محترم توجه داشت. یکی در پرداختن به مسائل تاریخی نیز از معیار اصول عقیدتی بهره می‌برد و آن را ملاکی برای بررسی صحت و سقم گزارش‌ها می‌داند و دیگری اساساً استفاده از مبانی عقیدتی و کلامی را در این فرایند نه تنها ضروری نمی‌داند، تأکید می‌کند این مسائل خارج از موضوع بحث سیره‌نگاری است.

۴-۲. شخصیت‌شناسی افراد

یکی از روش‌های رایج نویسنده الصحیح در انتخاب یک گزارش تاریخی، استناد به شخصیت راوی (مرتضی، ۲۰۰۴، ج ۱۶: ۲۰۱) و گاه مخاطب (همان: ۲۶۶) است. برای نمونه، گزارشی در روز فتح مکه در منابع آمده که منادی پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه اعلام کرد: هر کس به خدا و رسولش ایمان دارد نباید در خانه خود بتی داشته باشد و باید آن را بشکند و مسلمانان شروع به شکستن بت‌ها کردند. عکرمه بن ابی جهل پس از اینکه مسلمان شده بود چون می‌شنید در خانه‌ای از خانه‌های قریشیان بتی هست می‌رفت و آن را می‌شکست (واقعی ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۸۷۰). عاملی با استناد به شخصیت عکرمه، که در روز فتح مکه با سپاه اسلام درگیر شد و در نهایت فرار کرد (واقعی ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۸۲۵)، درباره انگیزه او از شکستن بت‌ها می‌نویسد: این احتمال که عکرمه این کار را به دلیل نزدیک شدن به مسلمانان و رسیدن به منافع و امتیازات مدنظرش انجام می‌داده به واقع نزدیک تر است (مرتضی، ۲۰۰۴، ج ۲۲: ۲۱۸).

در جای دیگر وی در خصوص گزارش جنگ لشکر خالد با قبیله بنی جَدیمه که پس از تسلیم شدن بنی جَدیمه، خالد دستور داد که دست‌ان آنان را از پشت ببندند (صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ج ۶: ۲۰۰)؛ در پاسخ به این پرسش که چرا خالد این کار را انجام می‌دهد، پس از طرح دو احتمال مبنی بر اینکه شاید این کار برای جلوگیری از حیلۀ قبیله بنی جَدیمه به اصحابش بوده یا می‌خواست با این کار آنان را دلیل کرده و از این کارش لذت ببرد، می‌نویسد: «شاید احتمال اخیر، صحیح‌تر و مناسب‌تر با اخلاق اهل مکر و خیانت و

سنگدلان باشد» (مرتضی، ۲۰۰۴، ج ۲۳: ۳۱۰) و به این ترتیب، احتمالی را که با شخصیت تاریخی خالد بن ولید متناسب‌تر است ترجیح می‌دهد.

نویسنده خاتم النبیین در این مورد به جزئیات روحیات و ویژگی‌های افراد و میزان اثر این ویژگی‌ها در گزارش‌های تاریخی توجهی نمی‌کند و در فرایند گزارش رویدادهای مرتبط با سیره نبوی به کلیات حوادث و رویدادها اکتفا می‌نماید. برای نمونه، در بخش تلاش‌های پیامبر ﷺ در گسترش اسلام، مؤلف ضمن بیان شروع دعوت و حوادث دوران مکه، تلاش‌های پیامبر ﷺ در مدینه و تحولات ایجادشده در آن را همراه با ذکر کلی غزوات و نتایج عام هرکدام از آن‌ها بیان می‌کند (الطباطبایی الحکیم، ۲۰۲۱: ۲۹-۱۴۸). وی در بیان این مطالب از منابع گوناگون شیعه و اهل سنت استفاده کرده و به هیچ‌عنوان به بررسی صحت و سقم نقل‌ها نپرداخته، بلکه با رجوع به منابع گوناگون سیره نبوی احادیث و وقایع تاریخی را از آن منابع ذکر نموده است. همچنین، وی به حواشی غیرمرتبط با اصل موضوع نیز توجهی نمی‌کند.

این تفاوت البته از تفاوت هدف و رویکرد دو نویسنده در تألیف کتاب خویش ناشی می‌شود. هدف مرحوم عاملی تدوین سیره نبوی به صورت کامل و با جزئیات فراوان و به صورت صحیح، البته براساس مبانی فکری و علمی خود وی، است؛ درحالی‌که هدف مرحوم حکیم زمینه‌سازی برای ایجاد رویکردی نوین نسبت به سیره نبوی است. وی در اثر خویش کوشیده‌نگاهی نو به فرهنگ اسلامی و نقش بی‌بدیل پیامبر ﷺ در رشد و توسعه این فرهنگ بی‌مانند و غنی، بیفکند و برخی شبهات معاصر در این خصوص را پاسخ دهد. ازجمله شبهه تقیه پیامبر در امر خلافت که نویسنده با رد آن، زمینه شکل‌گیری این تصور را بررسی نموده و برای رفع کامل شبهه عدم موفقیت پیامبر در انجام دعوت اسلامی به عواملی همچون: نیاز نهضت‌ها به پایداری مردم و هواداران، شرایط زمانی و اجتماعی دوره نبی اکرم ﷺ، ویژگی‌های قریش و عادات آن و رویکرد آنان به امیرالمومنین ﷺ، شرایط انصار و مجاهدین در مدینه و برخی از ویژگی‌های شخصیتی امیرالمومنین ﷺ اشاره می‌کند (الطباطبایی الحکیم، ۲۰۲۱: ۱۶۰-۲۲۵).

همچنین، وی به این شبهه اشاره می‌کند که برخی تصور می‌کنند فرهنگ اسلامی و دینی

فقط حاصل کوشش‌های اهل بیت علیهم‌السلام است و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در اشاعه آن نقشی نداشته است. در ادامه، به دفع این شبهه می‌پردازد و با ذکر دلیل اولاً اهل بیت علیهم‌السلام را وارثان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌داند و با استناد به روایات تأکید می‌کند علم و دانش اهل بیت علیهم‌السلام مأخوذ از نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است یا به واسطه ایشان به اهل بیت علیهم‌السلام رسیده است. وی با تبیین اوضاع و ویژگی‌های دوران پیامبر منشأ این برداشت ناصواب را تبیین کرده و آن را نادرست و بی‌پایه می‌داند (الطباطبایی الحکیم، ۲۰۲۱: ۲۳۳-۲۳۸)؛ در ادامه نیز برای تبیین مفاهیم بلند سخنان پیامبر و تأکید بر اینکه علم اهل بیت علیهم‌السلام از وجود نورانی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اخذ شده، هفده نمونه از خطبه‌ها و سخنرانی‌های ایشان را به اختصار نقل می‌کند.

۵-۲. عدم مخالفت اخبار با بدیهیات علمی و امکان وقوع تاریخی

عاملی در تحلیل روایت‌های سیره، عدم مخالفت با بدیهیات و نیز امکان وقوع تاریخ را معیار مهمی برای بررسی و تأیید یا رد آن گزارش‌ها می‌داند و از آن برای پالایش گزارش‌های گوناگون استفاده کرده است. این معیار در موارد زیادی از سوی وی به کار گرفته شده است؛ از جمله درباره روایات دین‌داری پیامبر پیش از بعثت (مرتضی، ۲۰۰۴، ج ۲: ۲۰۰-۲۰۴)، ذبیح بودن پدر ایشان (مرتضی، ۲۰۰۴، ج ۲: ۱۹۵-۲۰۰)، گزارش‌های مربوط به اذان و مبدأ تاریخ هجری (مرتضی، ۲۰۰۴، ج ۴: ۱۷۴-۲۰۶). ایشان همچنین در بررسی برخی از حوادث به سن افراد و زمان وقوع رویداد اشاره کرده و با مقایسه تاریخ‌های ذکر شده، وقوع برخی از حوادث را نفی نموده و در صحت و موارد دیگری تردید کرده است؛ از جمله درباره گزارشی که حاکی از اقامه نماز ابوهریره و سعید بن زید بر پیکر ام‌سلمه همسر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. بنابر گزارش‌های تاریخی، ام‌سلمه سال ۶۲ هجری از دنیا رفته است (حرّ عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۰: ۱۴۳؛ ذهبی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۲۰۷)؛ در حالی که تاریخ درگذشت ابوهریره و سعید بن زید سال ۵۹ است. عاملی با استناد به این نکته تاریخی این گزارش را رد می‌کند (مرتضی، ۲۰۰۴، ج ۲: ۲۴۸).

حکیم در این بخش با ابطال دیدگاه برتری اهل بیت علیهم‌السلام بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به منشأ به وجود آمدن این نگاه اشاره می‌کند. از نظر وی مهم‌ترین دلیلی که باعث شده برخی غیرمسلمانان تصور کنند معارف و احادیث رسیده از اهل بیت علیهم‌السلام عمیق‌تر از روایات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است به تاریخ،

نوع آشنایی و راه شناخت آنان از پیامبر بازمی‌گردد که براساس روایت و گفتمان اسلام فاتح است. یعنی آنان با پیامبری آشنا هستند که شخصیت و منش و سیره او توسط پیروان اسلام مبتنی بر قدرت اشاعه و تبیین شده است (الطباطبایی الحکیم، ۲۰۲۱: ۲۵۳)؛ به علاوه، مواردی مانند نمایش چهره خشن از اسلام و حوادث تروریستی، دسیسه‌کسانی که از گسترش اسلام آسیب دیدند در مشوه نمودن چهره اسلام و نیز پنهان ماندن معارف اهل بیت علیهم‌السلام از نظر غیرمسلمانان را از دیگر دلایل این مسئله می‌داند (الطباطبایی الحکیم، ۲۰۲۱: ۲۵۴-۲۵۶). مؤلف با اشاره به اینکه طی نیم قرن اخیر آشنایی غیرمسلمانان با فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام و دیدگاه شیعه افزایش یافته و به همین دلیل تصور نادرست آنان از شیعیان در حال تغییر و دگرگونی است، به این نکته نیز اشاره می‌کند که متأسفانه این تغییر رویکرد نسبت به شخصیت پیامبر رخ نداده است و عده‌ای گمان می‌کنند تشیع در حقیقت انشعابی خاص از اسلام است. ایشان به همین دلیل وظیفه اصلی مبلغان دینی را گسترش این واقعیت می‌داند که شیعه نه یک تجدیدنظر در دین اسلام، بلکه خوانش صحیح و تحریف‌نشده اسلام است. در حقیقت، مبلغان دینی باید به ارتباط عمیق فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام با قرآن کریم و سیره نبوی پردازند و این ارتباط و پیوند را به دیگران نشان دهند. البته، نویسنده با تأکید بر اینکه رویکرد اصلی تبلیغ دینی در شیعه پیوسته و در طول قرن‌ها بر رفعت مقام اهل بیت علیهم‌السلام تأکید داشته، تغییر این رویکرد را دشوار و نیازمند تلاش فراوان می‌داند (الطباطبایی الحکیم، ۲۰۲۱: ۲۵۸-۲۶۰). در حقیقت، وی با نگاهی به مسائل تاریخی اتفاق افتاده در جهان اسلام، برخی برداشت‌های صورت‌گرفته از سیره را ناصحیح و گاه مغرضانه و بی‌پایه می‌داند. دو نویسنده گرچه در خصوص کاربست این معیار و کم‌وکیف استفاده از آن در بررسی گزارش‌های سیره، روش متمایزی دارند، هر دو به این گونه مسائل به مثابه عاملی برای درک بهتر مسائل و پالایش گزارش‌ها و برداشت‌ها توجه و اهتمام دارند.

نتیجه‌گیری

مرحوم عاملی و مرحوم حکیم به مثابه دو دانشمند نامدار شیعی که در دوره معاصر به تألیف در زمینه سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پرداخته‌اند، هرکدام هدف و رویکرد متفاوتی برای اثر خویش برگزیده

و براساس همان رویکرد ساختار کلی کتاب را سامان داده‌اند. با وجود این، بررسی دقیق دو اثر نشان از وجود برخی معیارهای کلی درباره تحلیل گزارش‌های سیره در آن‌هاست. این معیارها را - که گاه به صراحت بیان شده و گاه بدون تصریح، در عمل توسط نویسندگان به کار گرفته شده است - می‌توان با دقت در محتوای اثر بازشناخت.

از این میان، بهره‌گیری از قرآن در تحلیل موضوعات به مثابه یک معیار اساسی از سوی هر دو نویسنده مورد توجه و عمل قرار گرفته است. در خصوص بررسی حال رجالی راوی، شیوه عمل دو نویسنده متمایز است. عاملی توجه به احوال و انگیزه‌های راویان را در نقل وقایع تاریخی نیز مهم می‌داند، اما حکیم صرفاً در مواردی که نیاز به تبیین و تحلیل عمیق‌تر دارد به این نکات اهتمام می‌ورزد و در بقیه موارد با گزارش‌های راویان با تسامح برخورد می‌کند. درباره عدم تعارض نصوص در مسائل عقلی و عقیدتی نیز باید به تفاوت عمده این دو نویسنده محترم توجه داشت. صاحب‌الصحیح در پرداختن به مسائل تاریخی نیز از معیار اصول عقیدتی بهره می‌برد و آن را ملاکی برای بررسی صحت و سقم گزارش‌ها می‌داند؛ اما مؤلف خاتم النبیین اساساً استفاده از مبانی عقیدتی و کلامی را در این فرایند ضروری نمی‌داند و معتقد است این مسائل خارج از موضوع بحث سیره‌نگاری است.

شخصیت‌شناسی افراد و اثر ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها در بررسی گزارش‌های تاریخی به خصوص در سیره نبوی نیز نکته دیگری در روش این دو نویسنده است. یکی از روش‌های رایج عاملی در انتخاب یک گزارش تاریخی، استناد به شخصیت راوی و مخاطب است، اما حکیم در این مورد به جزئیات روحیات و ویژگی‌های افراد و میزان اثر این ویژگی‌ها در گزارش‌های تاریخی توجهی نمی‌کند و در گزارش رویدادهای مرتبط با سیره نبوی به کلیات حوادث و رویدادها بسنده می‌کند. عدم مخالفت اخبار با بدیهیات علمی و امکان وقوع تاریخی نیز معیار دیگری است که در روش سیره‌نگاری این دو اثر به چشم می‌خورد. دو نویسنده گرچه در خصوص کاربست این معیار و چگونگی استفاده از آن در بررسی گزارش‌ها، روش متمایزی دارند، هر دو به این گونه مسائل به مثابه عاملی برای درک بهتر مسائل و پالایش گزارش‌ها و برداشت‌ها توجه و اهتمام دارند.

به عنوان جمع‌بندی می‌توان گفت این دو اثر در عین تفاوت‌های عمده از جهت هدف،

ساختار، حجم و رویکرد، هردو به مثابه آثاری شناخته می‌شوند که با روش تحلیلی نگارش شده و می‌کوشند برخی کاستی‌ها و رویکردهای ناصواب موجود در این زمینه را اصلاح کنند. به همین جهت، می‌توان معیارهایی را که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد، به مثابه معیارهای عمومی سیره‌پژوهی تحلیلی در دوره معاصر در نظر گرفت. این موضوع زمانی مهم‌تر می‌شود که بدانیم مرحوم حکیم در اثر خویش - که پس از انتشار اثر مرحوم عاملی به رشته تحریر درآمده - در هیچ موردی به این اثر ایشان ارجاع نداده است. این بدان معناست که با وجود عدم ارتباط این دو اثر، چون هردو در پی تحلیل مطالب و دستیابی به دیدگاه نو در این زمینه هستند، در مسیر تحلیل روشی را برگزیده‌اند که تا حد چشمگیری مبتنی بر معیارهای یکسان است.

کتابنامه

قرآن کریم

ابن خیاط، خلیفه (۱۴۱۴). تاریخ خلیفة بن خیاط العصفری، تدوین توسط سهیل ذکار، بیروت، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع.

ابن هشام، عبدالملک (۱۹۵۵). السیرة النبویة لابن هشام، قاهره، شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي و أولاده.

الاصفهانى، ابونعیم (۱۴۱۲). دلائل النبوة، بیروت، دارالنفائس.

الدينورى، ابن قتيبة (۱۳۷۳). الأخبار الطوال، قم، منشورات الشريف الرضى.

السلمى، محمد بن صامل (۲۰۰۹). منهج كتابة التاريخ الإسلامى مع دراسة لتطور التدوين و مناهج المؤرخين حتى نهاية القرن الثالث الهجرى، بیروت، دار ابن الجوزى.

الصابرى، عثمان (۲۰۲۰). نظرة المستشرقين للسيرة النبوية، فاس، منار الإسلام.

الطباطبایى الحكيم، سيد محمد سعيد (۲۰۲۱). خاتم النبیین ﷺ، الإدارة، الثقافة البيانية والمبادى، بیروت، دارالهلال.

الطبرى، محمد بن جرير (۱۹۶۷). تاريخ الامم والملوك، بیروت، روائع التراث العربى.

ابن عبود، محمد (۱۹۸۵). منهجية الاستشراق فى دراسة التاريخ الإسلامى، تونس، المنظمة العربية للعلوم والثقافة.

بيهقى، احمد بن حسين (۱۳۶۱). دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشريعة، با ترجمه محمود مهدوى دامغانى، تهران، شركت انتشارات علمى فرهنگى.

جعفریان، رسول (۱۳۹۳). منابع تاريخ اسلام، تهران، علم.

حرّ عاملی، محمد (۱۴۱۲ق). وسائل الشيعه إلى تحصيل مسائل الشريعة، بیروت، دار إحياء التراث العربى.

حلبى، على بن ابراهيم (۱۴۰۰ق). السيرة الحلبيه (انسان العيون فى سيرة الأمين المأمون)، بیروت، دارالمعرفة.

حمید جلیلیان و سیفعلی زاهدی فر (۱۳۹۴). «روش شناسی سیدجعفر مرتضی عاملی در ارزیابی احتمالات تاریخی در: الصحيح من سیرة النبى الأعظم»، تاریخ اسلام، ص ۷-۲۷.

حمید جلیلیان و سیدمحمدعلی ایازی (۱۳۹۶). «معیارسنجی باورهای کلامی در ارزیابی روایات تاریخی در الصحيح من سیرة النبى الأعظم»، پژوهشنامه تاریخ اسلام، ص ۱۰۹-۱۲۷.

- ذهبی، محمدبن احمد (۱۴۱۴ق). سیر أعلام النبلاء، بیروت، مؤسسة الرسالة.
- رازی، محمدبن زکریا (۲۰۱۵). رسائل فلسفیه، دمشق، بدایات.
- سپهری، محمد (۱۳۸۵). «الصحيح من سيرة النبي الأعظم ﷺ»: رهیافتی نوبه سیره نگاری»، تاریخ و تمدن اسلامی، ص ۵-۲۴.
- صالحی شامی، محمدبن یوسف (۱۴۱۴ق). سبل الهدی والرشاد فی سیره خیر العباد، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ضیاء العمری، اکرم (۱۴۱۵). السیره النبویه الصحیحة، المدینه المنوره، مکتبه العلوم والحکم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- مرتضی، سیدجعفر (۲۰۰۴). الصحيح من سيرة النبي الأعظم ﷺ، بیروت، دارالسیره.
- (۱۳۶۹). «مصاحبه با آیینۀ پژوهش»، آیینۀ پژوهش، ش ۵، سال اول، بهمن ۱۳۶۹، ص ۷۱-۵۵.
- (۱۳۸۵). «مصاحبه با فروغ وحدت، سال اول، پاییز ۱۳۸۵»، فصلنامه آموزشی و پژوهشی دانشگاه مذاهب اسلامی، ص ۳-۱۵.
- مطهری، مرتضی (۱۴۰۲). سیری در سیره نبوی، تهران، صدرا.
- واقدی، محمدبن عمر (۱۴۰۹ق). المغازی، تحقیق: مارسدن جونس، بیروت، مؤسسة الأعلمی.